

جایگاه نهادهای مدنی در جامعه دینی

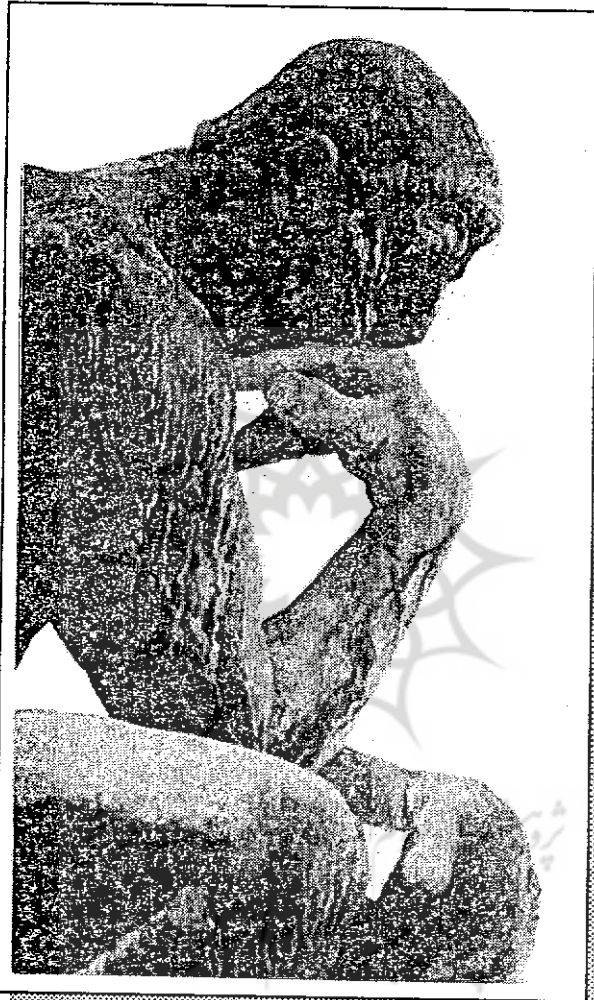
نویسنده: عباس محمدی اصل

تحولات مفهومی اصطلاح مدنیت و جامعه مدنی و اجزاء و عناصر و خرده نظام‌های آن داستانی شگرف دارد. اکنون این تحولات در جامعه ما به دلایل تاریخی و فرهنگی بدان سو میل کرده است که از این اصطلاح، اسطوره‌های اسرارآمیز بنا کنند تا در تلالو وهم آور آن، گروهی ساده لوحانه بیارامند و برخی نیز فرصت طلبانه بار خویش، بار کنند.

در چنین شرایطی تبیین چند و چون ساخت و کارکردهای نهاد دین در جامعه مدنی از ضرورتی تام برخوردار است. از این رو مقاله حاضر می‌کوشد دیدگاه‌های مختلف مربوط به طرح مفهومی جامعه مدنی را اجمالاً مورد تأمل قرار دهد و آن را در مقایسه با شرایط و دیدگاه‌های جامعه دینی غنا بخشد و نشان دهد جوامع مدنی و دینی در مرحله تأسیس و تشکیل در چه وضعیتی به سر می‌برند و چه نوع مبادلاتی میان آنها مفروض تواند بود. این در حالی است که نهایتاً شیوه‌های یاریگری جوامع مدنی و دینی با تأملی ژرف در مقوله‌بندی‌های این حیطه‌ها کاویده می‌شود تا طریق آتی تکوین دین مدنی و مدنیت دینی در جامعه ما با بینشی علمی تر پیموده شود.

●●●

جامعه مدنی غالباً از دو دیدگاه تکوینی و تطوری قابل تعریف است. دیدگاه تکوینی که به دگرپسندی ذاتی ساخت اجتماعی ناظر است؛ قاعدتاً وجود تشکلهای مستقل و ارادی و داوطلبانه را دلیلی بر حضور جامعه مدنی به میزان‌های مختلف در عرصه نظام‌های اجتماعی سنتی و نوین می‌شمارد و تبدلات تکوینی آن را از بُعد استحاله درونی همین نظام‌ها مدنظر قرار می‌دهد. از سوی دیگر دیدگاه تطوری، جامعه مدنی را مرحله‌ای از مراحل تحول تاریخی جوامع و محصول جریان نوسازی اقتصادی - اجتماعی و برابر با جامعه بورژوازی یا متکی بر بازار اقتصادی رقابتی می‌داند و در این پرتو طبیعتاً جوامع سنتی را از دسترسی به مبانی و



متضمن تحقق کامل ذات بشری و تبلور اختیارات انسانی و طبیعی بودن خاستگاه ارزش‌ها و تفسیر آدمیان از آن‌ها جلوه می‌کند تا از این زاویه جوانب اجتماعی جامعه مدنی - مانند انواع تفکیک‌پذیری‌ها، وجود حیطه عمومی، ارزش بنیادین مصالح جمعی، جامعه‌پذیری متکی بر تشکلهای مدنی و قراردادی بودن عدالت و حق و همکاری - نداعی گردد. به علاوه، بُعد حقوقی چنین جامعه‌ای به بازتاب عقاید عمومی و گروهی و تصمیمات شهروندان در قانون ناظر است و قانون را چونان وسیله تحقق خیر عمومی می‌انگارد. هم‌چنین بُعد معرفتی سیاست جامعه مدنی از وفاق و نفي انحصار و وجود ساخت‌های تسهیل‌کننده مذاکره جمعی و مشارکت عمومی در تصمیم‌گیری‌ها و شفافیت همراهی آزادی با مسؤلیت، سخن به میان

می‌آورد، و بالاخره بُعد فرهنگی این جامعه متضمن حق انتقاد و اظهار عقیده و اندیشه و امکان متفاوت بودن است. به این ترتیب چنین جوانب معرفتی عمده‌ای در کنار بُعد تطوری جامعه مدنی بر این نکته اشارت دارد که همه جوامع دارای سطوحی از مدنیت هستند و ضمناً همین میزان مدنیت اجتماعی نیز در صورت غلبه بر نظام اجتماعی وجه تطوری کسب می‌کند.

در این شرایط، جامعه دینی نیز از دو جنبه بالا و پایین قابل تعریف می‌نماید. نگرش از بالا به جامعه دینی سبب می‌شود تا این جامعه،

نهادهای و جوه و ابعاد نظام مدنی بی‌نصیب می‌گذارد. با این همه، اما، فارغ از چنین دیدگاه‌های وجودشناسانه‌ای می‌توان به اتکای تحلیل معرفت‌شناسانه نیز پرده از دلایل منطقی حضور جامعه مدنی در کلیه نظام‌های زیست جمعی چونان اساسی‌ترین مدعای دیدگاه تکوینی برگرفت و البته آن را مکمل دیدگاه تطوری تلقی کرد. این مباحث معرفتی در ابعاد منطقی، فلسفی، اجتماعی، حقوقی، سیاسی و فرهنگی قابل دسته‌بندی است. در واقع به لحاظ منطقی، جامعه مدنی که برآمده از وجود انواع قراردادهای و مقاله‌ها است؛ درحیطه فلسفی

نقش دولت در جامعه دینی

با این همه، تردیدی نیست که جوامع مدنی و دینی در مرحله تأسیس و تشکیل نظام اجتماعی مطرح می‌شوند. به دیگر سخن، از یک طرف بحث از جوامع مدنی، جنبه منفی ندارد؛ بلکه درصدد تحلیل وضع موجود و سپس اثبات و استقرار نهادهایی است که پیش از این وجود نداشته‌اند و به اتکای آن‌ها می‌توان در موضع اداره جامعه و تنظیم امور قوی دست شد، و از دیگر سو، جامعه دینی نیز هنگامی مطرح می‌شود که دینداران از موضع براندازی جامعه نامطلوب گسسته، و تلاش می‌کنند جامعه‌ای منطبق با نظام ارزشی خویش بنا نهند. از این چشم‌انداز است که دولت مهمترین عنصر در موضع تأسیس و استقرار جوامع مدنی و دینی جلوه می‌کند؛ چرا که برای پایه دولت ضامن قراردادهای اجتماعی است و مشروعیت و وسایل و اهداف زیست اجتماعی را تعیین می‌کند و ضمن رسمیت بخشیدن به مناسبات سیاست و فرهنگ و اقتصاد و اجتماع جامعه‌ای؛ حقوق شهروندان را حفظ کرده و با جلوگیری از انحصار و تمرکز، مدافع تکرار می‌شود. دولت در این جوامع هم‌چنین علیرغم اداره اختلافات، از تبدیل شکل‌های مدنی به ابزارهای ایدئولوژی پرور می‌پرهیزد و هدف کسب قدرت را به احزاب وامی‌گذارد و با انتظار تحقق رشد اقتصادی از رقابت شرکت‌ها و اصناف؛ از تقویت گروه‌های فشار چونان عاملان حفظ تکرر سیاسی روی بر نمی‌تابد. این درحالی است که البته دولتی شدن اقتصاد و رفاه و خدمات در جامعه مدنی چنین افاده معنا می‌کند که حمایت دولت از اعضای ضعیف‌تر جامعه مدنی همگام با محدودیت توان دولت در گسترش حیطة نفوذ خویش در این جامعه است و به همین دلیل نیز مشاهده می‌شود که دولت‌ها می‌کوشند حتی‌الامکان از حوزه نفوذ تشکیل‌های مدنی به نفع گسترش عرصه اقتدار خود بکاهند. وجه اخیر، حلقه برهان واسطی است که نشان می‌دهد چرا دولت در جامعه دینی توده‌وار، سعی در اضمحلال جامعه مدنی دارد و این تلاش را مقوم حیات خویش می‌شمارد. در واقع دلیل این امر از یک سو در آن است که اگر دولت خود از نیروهای مذهبی برآمده باشد، ناگزیر می‌کوشد تشکیل‌های دینی را در خود مضمحل سازد و از طرفی اگر همین دولت از

**دولت در جامعه دینی غیر
توده‌وار، از زاویه رقابت
سیاستمداران احزاب و
تشکل‌های مدنی جامعه
(دینی و عرفی) به منصفه
ظهور می‌گذارد و
خواست‌های محدود آن
عمدتاً معطوف به دفاع از
حقوق شهروندان است.**

جامعه تعمیم‌پذیر جلوه کرده و در پرتو این بینش دیگر جامعه دینی نافی جامعه ملی و محلی یا خرده فرهنگ‌ها و صنوف و تجمع‌های اجتماعی نخواهد بود. این درحالی است که نگرش از بالا به جامعه دینی، مقتضای جامعه توده‌واری است که از افرادی ذره‌وار تشکیل یافته و عضویت افراد در نهادها و گروه‌ها و تشکل‌های دینی آن از جنبه ارثی و غیرارادی برخوردار است. در این تصور، تشکل‌های دینی در سلسله مراتبی ارزشی قرار می‌گیرند که از تشکل‌های عرفی فراتر می‌ایستند. به علاوه، در این جامعه تفاوت در نوع دینداری پذیرفتنی نیست و بلکه همسانی در آیین‌ها و مراسم دینی مطلوب است. هم‌چنین در این جامعه نهادهای دینی مشروعیت خویش را از اعضایشان کسب نمی‌کنند؛ زیرا بنیانی اسطوره‌ای مبنای مشروعیت آن‌ها واقع می‌شود. بالاخره در این جامعه، نهادهای دینی به تساوی یا رقابت با دیگر نهادهای اجتماعی قناعت نکرده؛ بلکه می‌کوشند در سطح ارزشی بالاتری قرار گیرند و نقش زعامت رقابت سالارانه و کارگردانی برای سایر نهادها را به کف آورند.

جامعه‌ای مقدس جلوه کرده و چنین به ذهن متبادر کند که ارزش‌های آن به قصد ایجاد نظام‌های انسانی؛ ولی از منبعی غیرانسانی صادر شده و به همین دلیل نیز اساطیر و ارزش‌های مقدس و فرافردی آن به تقویت نظام اجتماعی یاری می‌رسانند. در این چشم‌انداز، جامعه دینی هویتی مستقل و ذاتی دارد که فراتر از حاصل جمع تک تک افراد یا گروه‌های تشکیل دهنده‌اش قرار می‌گیرد. اضافه بر این، پیوندهای اجتماعی در این نوع جامعه از منابع قدسی نشأت می‌گیرد و افراد و گروه‌های آن در تعیین خیر و مصلحت عمومی نقشی ندارند؛ زیرا اراده عمومی مستقل از اراده‌های تک تک افراد است و اساساً از این زاویه همه نهادهای اجتماعی و سیاسی در نهادهای دینی مضمحل شده‌اند. مع‌هذا نگرش از پایین به جامعه دینی صرفاً بر آن می‌رود که جامعه دینی را مجموعه‌ای از افراد دیندار بپندارد که در این صورت صرف دینداری خود از سوی افراد و اکثریت داشتن این افراد در جامعه برای دینی خواندن آن کفایت می‌کند. محور فردگرایانه این نگرش پایینی به جامعه دینی در واقع نشانگر ضرورت تقویت مشارکت و فرایندهای آن از طریق تعمیم جامعه‌پذیری مشارکت جویانه است، و به عبارتی، این چشم‌انداز با انتقال برآیند اراده‌های افراد در تشکل‌ها به سطوح عمومی، برتاثیر افکار عمومی در تکوین مصلحت عمومی صحه می‌نهد گستره و ژرفای مشارکت همگانی را از رهگذر همین تفکر نهادین افزایش می‌بخشد. برپایه این تصورات می‌توان گفت، نگرش تکوینی از جامعه مدنی که بر تشکل‌های مستقل و ارادی و داوطلبانه پای می‌فشرد؛ با نگرش پایینی به جامعه دینی قابل جمع است. به دیگر سخن، در جامعه دینی اخیر می‌توان شاهد تشکیل تشکل‌هایی بود که یا از اعضای دیندار برخوردارند و یا اهداف و مرام‌هایی دینی دارند که البته هر دوی این موارد نیز به معنای نفی دیگر تشکل‌های اجتماعی نخواهد بود. توضیح آن‌که در نگرش پایینی به جامعه دینی، عضویت در نهادها و تشکل‌ها وجه ارادی و غیر توارثی دارد و تنوع و تکرر آراء و عقاید دینی در همین چهارچوب امکان‌پذیر می‌گردد و در واقع بدان روی که علائق و منافع شخصی، منشاء حضور افراد در تشکل‌ها است؛ لذا عضویت نهادین در تشکل‌ها به کلیه سطوح و صنوف و مشاغل

نیروهای مذهبی فاصله گرفته و طرفی از حمایت دین نبیند؛ بر آن اصرار می‌ورزد تا هرچه بیشتر شکل‌های دینی را تضعیف نماید. مع‌هذا دولت در جامعه دینی غیر توده‌وار، از زاویه رقابت سیاستمداران احزاب و تشکلهای مدنی جامعه (دینی و عرفی) به منصفه ظهور پا می‌گذارد و خواست‌های محدود آن عمدتاً معطوف به دفاع از حقوق شهروندان بوده و آزادی‌ها را نه چونان امتیازات اعطایی به شهروندان، که حق آنان می‌داند و لذا ارائه خدمات مدنی خود را نه اظهار لطف به شهروندان؛ که وظیفه خویش تلقی می‌کند. چنین دولتی از اقتدار برای تخصیص امور و فعالیت‌ها به خود استفاده نمی‌کند؛ بلکه از آن در جهت اعمال قرارداد‌های اجتماعی بهره می‌گیرد. این در صورتی است که دولت در جامعه دینی توده‌وار با تأکید بر نهاد خانواده و تقویت روابط خویشاوندی، از دایره تأثیر اعمال داوطلبانه و ارادی می‌کاهد؛ تضييع حقوق افراد را امری عادی می‌یابد؛ می‌کوشد شهروندان را به

رعایای مطیع تبدیل کند؛ حقوق را به حداقل و تکالیف را به حداکثر رساند؛ تکثر را به مشابه مانع اعمال اقتدار خود نفی نماید؛ تبعیت را به جای مشارکت بنشانند و از حفظ حریم خصوصی زندگی در راستای حفظ ارزشهای ایدئولوژیک درگذرد.

برپایه این استدلال، چنین فرضی قوت می‌گیرد که جامعه دینی توده‌وار از به رسمیت شناختن قانون مدنی ناتوان است؛ زیرا قانون مدنی منشاء حقوق شهروندی بوده و این درحالی است که در جامعه توده‌وار، افراد رعیتند و نه شهروند. به علاوه، در جامعه دینی توده‌وار، قلمرو حیات اجتماعی برای شهروندانی که می‌خواهند در آن به صورت کلی متشکل از اجزاء و در قالب هیأتی عمومی نمودار شوند، فاقد معنا می‌نماید؛ زیرا این کل است که آزادی اجتماعات و تشکلهای و آزادی بیان و اندیشه و نشر افکار درباب مصالح عمومی را در این جامعه رقم می‌زند و در همین پرتو نیز شاکله افکار عمومی، گستره عمومی را عینیت

می‌بخشد. مع‌هذا رعایای جامعه دینی توده‌وار صرفاً مسؤول تأیید بی‌چون و چرای حاکمیت سیاسی‌اند و در سایر موارد افرادی مجزایند که رابطه‌ای با مناسبات پیچیده موجد جامعه مدنی ندارند. چنین شرایطی البته از سوی ارائه خدمات توده‌وار برپایه ارادت سالاری و نه شایسته سالاری و ناامنی و فقدان سلسله مراتب و نظام طبقه‌بندی شغلی تشدید می‌شود. در مقابل، در جامعه دینی غیر توده‌وار، حقوق مدنی افراد حفظ گردیده و اقتدار مدنی از قدرت آدمیان در حفظ حقوق خود بر می‌خیزد؛ تکثیر و تنوع در سایه ارزش بنیادین آزادی امکان بالیدن می‌یابد؛ مسؤولیت شهروندی در برابر تمام حقوقی که جامعه آن‌ها را برای فرد تضمین کرده نمودار می‌شود و خدمات مدنی در این جامعه سیاست‌های حکومت را به زبان عمل اجتماعی و با منطق شایسته سالاری و نه ارادت سالاری تفهیم می‌کند، و در این عرصه از امنیت و سلسله مراتب و نظام طبقه‌بندی شغلی نیز سود می‌جوید.

زندگی سالم، قلب سالم

شرکت ایران بهداشت

عرضه کننده کاملترین مجموعه تجهیزات
و وسایل درمان بیماریهای قلب و عروق

با به کار بستن توصیه‌های ساده زیر زمینه ابتلا به بیماریهای قلبی را کاهش دهید و سلامتی خود را تضمین کنید:

عدم استعمال دخانیات

افزایش فعالیت‌های بدنی و ورزش

کاهش فشارهای عصبی

تغذیه مناسب

کاهش استفاده از چربی‌های حیوانی

افزایش مصرف سبزیجات و مواد گیاهی

کنترل فشار خون

چنین که برمی آید می توان تمایزات جامعه مدنی و جامعه غیرمدنی را با تمام تفصیل و ضمناً با رعایت شرط تعمیم پذیری این تمایزات به بخش های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماع جامعه های آن شامل کارکردهای متفاوت نهادی و نظارتی و جمعی دانست. این کارکردها باعث حاکمیت قانون در عرصه نهادهای ضامن اجرای خود (حقوق) یا حیطة نهادهای مجری خویش (سیاست) یا حوزه انتقال تابعیت (ایدئولوژی) می گردد و براین بنیان، جامعه مدنی را به مانند جامعه های نهادین جلوه می دهد.

از این زاویه اصولاً بدون وجود نهادهای مدنی، حفظ ایمنی آدمیان در عین تکثر منافع و علق ناممکن است و به عبارتی، روحیه حداکثرسازی منافع و سود شخصی از منابع عمومی بدون حضور عنصر قناعت، جز از طریق نهادهای واسط دولت و خانواده و سایر نهادهای قابل تبدیل به مشارکت جمعی نمی نماید. در این بین مهمترین نهادهای مدنی در جامعه دینی شامل نهادهای دینی هستند که این نهادها به شرط عدم اضمحلال یا تبدیل به دولت، حامی دینداران خواهند بود و به اتکای ارائه کارکردهایی نظیر عدم انحصارگرایی در حوزه مورد عمل خویش، یا ترکیب رقابت اجتماعی با نهادهای عرفی دیگر، علاوه بر ایفای نقش داورانه و ناصحانه نسبت به آن ها، در تشدید جاذبه های اجتماعی و سیاسی توفیقی دو چندان حاصل می کنند. در این وضعیت دین از ایمان متمایز می گردد و تنها ضرورت های دینی، مؤمنان را به شکل نهادین در جامعه به حرکت می آورد. به این دلیل در جامعه مدنی، دینی مدنی زاده می شود که نه تازه است و نه مخالف سایر ادیان و مذاهب؛ بلکه می کوشد اختلافات فرق و گروه های دینی را بکاهد و به لحاظ معرفتی، دین سنتی را به منظور تقویت بخش های مدنی آن مورد قرائت و تفسیر مجدد قرار دهد و به جهت عملی نیز نوعی سازمان دهی مجدد در فعالیت های اجتماعی دینداران به وجود آورد. بنابراین رفته رفته اعمال دینی فردگرایانه با تأثیر چند بعدی در نظام اجتماعی و به ابتدای شکل های خودگردان و مستقل سبب می شود نیروهای منفرد دینی به نیروی مدنی مؤثری مبدل گردیده و دین مدنی را در تحقق اهدافش قوی دست تر نماید. در این حرکت اما البته سازماندهی مجدد جامعه دینی و تعریف دگربرار رابطه دینداران با جامعه و حکومت، دولت - ملت ها، امنیت و منافع ملی و چند قطبی بین المللی و محلی شدن یا تمرکززدایی از ضرورتی تام برخوردار می گردد و

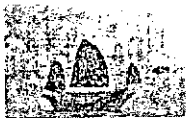
در جامعه دینی، توده وار، دولت یا تاکید بر نهاد خانواده و روابط خویشاوندی می کوشد شهروندان را به رعایایی مطیع تبدیل کند و از حفظ حریم خصوصی زندگی در راستای حفظ ارزش های ایدئولوژیک درگذرد.

همین شرایط باعث می شود حکومت مدنی علاوه بر حفظ دین مدنی، از سایر نهادهای مدنی همچون تشکلهای حرفه ای و صنفی و فکری نیز حمایت کند؛ چرا که حتی در این وضعیت، اساس دینی بودن حکومت، نه شخصیت فرهمند حاکم و نه دینداری فردگرایانه و ذره وار آحاد مردم، که قوت و حضور گسترده تشکلهای دینی در آن خواهد بود. پس دین مدنی با القای روش کسب اهداف از منظر تشکیل تشکلهای ارادی و مستقل، از تعارض حکومت دینی با حاکمیت مردمی ممانعت به عمل می آورد و نهادهای دینی را همانند سایر نهادهای اجتماعی در تحقق اهدافشان به رعایت قواعد و مقررات بازی زیست جمعی فرا می خواند. براین سیاق فعالیت و برنامه ریزی و سیاستگذاری و تصمیم گیری دینی است که دستورالعمل های اجرایی دینی را برای حکومت به

ارمغان می آورد و آمریت گروهی از دینداران را چونان خاستگاه حکومت به حاکمیت ارزش های دینی از طریق حضور تشکلهای مدنی دینی مبدل می کند و بدین منوال حکومت دینی را شایسته ترین حکومت جامعه دینی معرفی می نماید.

به هر تقدیر، در مجموع می توان گفت دین مدنی در کنار ارائه کارکردهای ایدئولوژیک و مبارزه جویانه یا شیوه های کسب تجارب معنوی و الهام بخش و متکی بر کشف و شهود؛ صرفاً به استظهار به نهادینه سازی تشکلهای شهروند مدار ارادی و اختیاری و ایجاد سازمان های حافظ حقوق و آزادی های مدنی و منوط انگاشتن توفیق نهادها و سازمان های مزبور به توان استیفای حقوق و آزادی های مردمی؛ چونان عمده ترین عامل فرهنگ آفرین جلوه می کند و این قوه را از کسب مشارکت شهروندی و اعتماد سیاسی به حاکمیت تکثرگرای نهادین دولت مدنی با وجه غالبی چون بُعد دینی به اعلا درجه تبلور می رساند، و هم براین پایه به استعلا تمدن بشری نیز مدد می رساند.

عکس هایتان را امانت دهید



نشریه گزارش از هموطنان فرهنگ پرور خود تقاضا دارد عکس های فیزی - تاریخی - مناظر - بناهای تاریخی و ... را با ذکر مشخصات برای مدتی به این واحد امانت دهند. عکس های منتخب با ذکر نام فرستنده، مورد استفاده قرار خواهد گرفت و به همراه هدیه ای باز پس فرستاده خواهد شد. عکس های استفاده نشده نیز به فرستندگان مقرر آن ها عودت داده می شود.

توجه: حتماً با پست سفارشی ارسال شود.



نشانی: تهران - صندوق پستی ۵۴۶۷-۱۴۱۵۵